



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

واژه‌نامه

ستایش: لطف حق

فرشتگان و ... در آن قرار دارند.

فروماندن: متحیر شدن

قُوت: رزق روزانه، خوراک، غذا

درس دوم: قاضی بُست

شعر خوانی: زاغ و کبک

اطبّا: جمع طبیب، پزشکان

افکار: مجروح، خسته

ایزد: خدا، آفریدگار

برنشستن: سوار شدن

بی شهت: بی تردید، بی شک

توقیع: مُهر یا امضای پادشاهان و بزرگان در ذیل

یا بر پشت فرمان یا نامه؛ توقیع کردن: مُهرزدن یا

امضا کردن

چاشتگاه: هنگام چاشت، نزدیک ظهر

حَسَم: خدمتکاران

خُطوات: جمع خُطوه، گام‌ها، قدم‌ها

خیر خیر: سریع، سُر سُر

خیلتاش: هریک از سپاهیان که از یک دسته باشند

در بایست: نیاز، ضرورت

دُرست: تندرست، سالم

دوال: چرم و پوست؛ یک دوال: یک لایه، یک پاره

راغ: دامنۀ سبز کوه، صحرا

رَقعت: رقعۀ، نامۀ کوتاه، یادداشت

روضه: باغ، گلزار

زایل شدن: نابود شدن، برطرف شدن

زر پاره: قراضه و خُردۀ زر، زر سکه شده

ادبار: بدبختی، سیه‌روزی؛ متضادّ اقبال

اقبال: خوشبختی، سعادت

توفیق: آن است که خداوند، اسباب را موافق

خواهش بنده، مهیا کند تا خواهش او به نتیجه برسد؛

سازگار گردانیدن

تیره‌رای: بداندیشی، گمراهی

چاشنی: مزه، طعم

حالات: شیرینی

نژند: خوار و زبون، اندوهگین

درس اول: نیکی

گنج حکمت: همت

جیب: گریبان، یقه

چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.

حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی

دَغَل: ناراست، حيله‌گر

دو ن همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و

کوتاه اندیشه

زَنخدان: چانه

شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو

رسته گوشتخواران است.

شل: دست و پای از کار افتاده

شوریده‌نگ: آشفته‌حال

غیب: پنهان، نهان از چشم؛ عالمی که خداوند،

سبجان الله: پاک و منزّه است خدا (برای بیان شگفتی

به کار می رود؛ معادل «شگفتا»)

سَبَدَن: ستاندن، دریافت کردن

سرسام: تورم سر و مغز و پرده‌های آن که یکی از نشانه‌های آن، هذیان بوده است.

سور: جشن

شَبگیر: سحرگاه، پیش از صبح

شراع: سایه بان، خیمه

صَعْب: دشوار، سخت

صِلَت: انعام، جایزه، پاداش

ضَبِعت: زمین زراعتی؛ ضَبِعتک: زمین زراعتی کوچک

عارضه: حادثه، بیماری

عَلت: بیماری

عَز و جَل: عزیز است و بزرگ و ارجمند

عَقَد: گردن بند

غرامت زده: تاوان زده، کسی که غرامت کشد، پشیمان

عَزو: جنگ کردن با کافران

فارغ شدن: آسوده شدن از کار

فراخ تر: آسوده‌تر، راحت‌تر

فراغ: آسایش، آسودگی

فروود سرای: اندرونی، اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمتگزاران

فیروزه فام: به رنگ فیروزه، فیروزه‌رنگ

قضا: تقدیر، سرنوشت

کافی: باکفایت، لایق، کارآمد

کران: ساحل، کنار

کراهیت: ناپسندی

کوشک: ساختمانی بلند، وسیع و زیبا که اغلب در

میان باغ قرار گرفته است؛ قصر، کاخ

گداختن: ذوب کردن

گسیل کردن: فرستادن، روانه کردن

لَختی: اندکی

لله دَرُکَمَا: خدا شما را خیر بسیار دهاد!

مبشر: نویددهنده، مژده‌رسان

مَتقارب: نزدیک به هم، در کنار هم

مَحجوب: پنهان، مستور، پوشیده

مَخنقه: گردن بند

مرغزار: سبزه‌زار، زمینی که دارای سبزه و گل‌های خودرو است.

مطرب: آوازخوان، نوازنده

مقرون: پیوسته، همراه

مَهَمات: کارهای مهم و خطیر

مؤکد: تأکیدشده، استوار

ناو: کشتی، به ویژه کشتی دارای تجهیزات جنگی

ندیم: هم‌نشین، همدم

نُکت: نکته‌ها

نماز پیشین: نماز ظهر

وَبال: سختی و عذاب، گناه

وزر: بار سنگین، در اینجا گناه

همایون: خجسته، مبارک، فرخنده

یوز: یوزپلنگ، جانوری شکاری، کوچک‌تر از پلنگ که با آن به شکار آهو و مانند آن می‌روند.

درسی سوم: در امواج سند

گنج حکمت: چو سرو باش

افسر: تاج و کلاه پادشاهان

باره: اسب

برومند: بارآور، میوه‌دار

خرگه: خرگاه، خیمه به‌ویژه خیمه بزرگ



دریا: در متن درس رود بزرگ مانند دریای نیل
دمار از کسی کشیدن: دمار از کسی برآوردن؛ کنایه
از نابود کردن کسی
سیماب گون: به رنگ جیوه، جیوه‌ای؛ سیماب: جیوه
گران: سنگین، عظیم

درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی ۱)

او می‌دهد. تحت‌الحمایگی در مورد یک کشور یا سرزمین، یکی از اشکال استعمار و مرحله‌ای قبل از تبدیل کامل به مستعمره است.

تسخیر: تصرف کردن جایی معمولاً با زور

تفریط: کوتاهی کردن در کاری

توازن: تعادل، برابری

جنون: شیفتگی، شیدایی، شوریدگی

چنبره زدن: چنبر زدن، حلقه زدن، به صورت خمیده و

حلقه‌وار جمع شدن

خصال: جمع خصلت، خوبی‌ها، خواه نیک باشد یا بد

دار السلطنه: پایتخت؛ در دوره صفوی و قاجار، عنوان بعضی از شهرها که شاهزاده یا ولیعهد در آن اقامت داشت.

درایت: آگاهی، دانش، بینش

زیبونی: فرومایگی، درماندگی

زنبورک: نوعی توپ جنگی کوچک دارای دو پرچ که در زمان صفویه و قاجاریه روی شتر می‌بستند.

شایق: آرزومند، مشتاق

صفیر: صدای بلند و تیز

طاقت فرسا: توان فرسا، سخت و تحمل‌ناپذیر

غیرت: حمیت، تعصب

کورسو: نور اندک، روشنایی کم

معبد: پرستشگاه، محل عبادت

مقرر: معلوم، تعیین شده

موعد: هنگام، زمان

موزون: هماهنگ، خوش‌نوا

نهیب: فریاد بلند، به‌ویژه برای ترساندن یا اخطار کردن

وجد: سرور، شادمانی و خوشی

ولایات: جمع ولایت؛ مجموعه شهرهایی که تحت نظر

والی اداره می‌شود؛ معادل شهرستان امروزی

درس پنجم: آغاز گری تنها

روان خوانی: تا غزل بعد ...

اجنبی: بیگانه، خارجی

اذن: اجازه، رخصت

اعطا: واگذاری، بخشش، عطا کردن

افراط: از حد درگذشتن، زیاده‌روی، مقابل تفریط

التهاب: شعله‌ور شدن و برافروختن؛ مجازاً ناآرامی،

بی‌قراری، اضطراب

بختک: موجود خیالی یا سیاهی‌ای که بر روی شخص

خوابیده می‌افتد؛ کابوس

تحت‌الحمایگی: تحت‌الحمایه بودن؛ تحت‌الحمایه

ویژگی کشور، سرزمین یا فردی است که معمولاً

به‌موجب پیمانی با یک کشور نیرومند، تحت حمایت

او درمی‌آید و در عوض، امتیازات و اختیاراتی به

درس ششم: پرورده عشق

گنج حکمت: مردان واقعی

پرورده: پرورش یافته

جمله: همه، سراسر

جهانگیر: گیرنده عالم، فتح کننده دنیا

چهد: کوشش، تلاش، سعی

چاره گری: تدبیر، مصلحت اندیشی

خنیده: مشهور، معروف، نامدار؛ خنیده نام ترگشتن:

مشهورتر شدن، پرآوازه تر گردیدن

خویشان: جمع خویش، اقوام

رایت: بیرق، پرچم، درفش

سرشت: فطرت، آفرینش، طبع

غایت: پایان، فرجام، نهایت

گزار کاری: زیاده روی، بیهوده کاری

محمل: کجاوه که بر شتر بندند، مهده

موسم: زمان، هنگام

درس هفتم: باران محبت

شعر خوانی: آفتاب حسن

استحقاق: سزاواری، شایستگی

اصناف: جمع صنف، انواع، گونه ها، گروه ها

اعزاز: بزرگداشت، گرامیداشت

الوهیت: خدایی، خداوندی

بعد: دوری، فاصله

تعبیه کردن: قرار دادن، جاسازی کردن

تلبیس: حقیقت را پنهان کردن، حيله و مکر به کار

بردن، نیرنگ سازی

جلت: بزرگ است

حضرت: آستانه، پیشگاه، درگاه

خزاین: جمع خزانه، گنجینه ها

خلیفت: خلیفه، جانشین

رأفت: مهربانی، شفقت

ربوبیت: الوهیت و خدایی، پروردگاری

رغبت: میل و اراده، خواست

سست عناصر: بی اراده، بی غیرت

طوع: فرمان برداری، اطاعت، فرمانبری

عنایت: توجه، لطف، احسان

غنا: بی نیازی، توانگری

قبضه: یک مشت از هر چیزی

قرب: نزدیک شدن، هم جواری

کبریایی: منسوب به کبریا، خداوند تعالی

متأللی: درخشان، تابان

مذلت: فرومایگی، خواری، مقابل عزت

مُشتبه: اشتباه کننده، دچار اشتباه؛ مشتبه شدن: به

اشتباه افتادن

مشعشع: درخشان، تابان

مقرب: آن که نزدیک به کسی شده و در نزد او منزلت

پیدا کرده است.

ملکوت: عالم غیب، جهان بالا

نفایس: جمع نفیسه، چیزهای نفیس و گران بها

وسائط: جمع وسیطه یا واسطه، آنچه که به مدد یا از

طریق آن به مقصود می رسند.

هیئت: شکل، ظاهر، دسته ای از مردم

درس هشتم: در کوی عاشقان

گنج حکمت: چنان باش ...

تشبیح: همراهی و مشایعت کردن جنازه تا گورستان

خوش لقا: زیبارو، خوش سیما

رضوان: بهشت، نام فرشته ای که نگهبان بهشت است.

زهد: پارسایی، پرهیزگاری

شبیگرد: شبرو

شریعت: شرع، آیین، راه دین، مقابل طریقت

سنم: بُت، معشوق زیبارو (مجازاً)

عازم: رهسپار، راهی

قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ الْعَزِيزَ: خداوند، روح عزیز او را

پاک گرداند.

کبریا: بارگاه خداوندی

مُتَّفِق: همسو، هم عقیده، موافق

محضر: محلّ حضور، مجازاً مجلس درس یا مجلسی

که در آن، سخنان قابل استفاده گفته می شود.

مرشد: آن که مراحل سیروسلوک را پشت سر گذاشته

و سالکان را راهنمایی و هدایت می کند؛ مُراد، پیر،

مقابل مُرید و سالک

مَلک: فرشته

مناسک: جمع منسک، اعمال عبادی، آیین های دینی

وعظ: اندرز، پند دادن

پالیز: باغ، جالیز

تحفه: ارمغان، هدیه

تشرّع: شریعت، مقابل طریقت و عرفان

تمکّن: توانگری، ثروت

تهنیت: شادباش گفتن، تبریک گفتن، تبریک

چابک: تند و فرز

دستخوش: آنچه یا آن که در معرض چیزی قرار

گرفته یا تحت غلبه و سیطره آن است؛ بازیچه

سبک سَری: سهل انگاری و بی مسئولیتی

شاب: بُرنا، جوان

شائبه: به شک اندازنده درباره وجود چیزی، و به

مجاز، عیب و بدی یا نقص در چیزی؛ بی شائبه: بدون

آلودگی و با خلوص و صداقت، پاک، خالص

شعر تمثیلی: شعر نمادین و آمیخته به مَثَل و داستان

شور یدگی: عشق و شیدایی

صباح: زیبایی، جمال

عندلیب: بلبل، هزارستان

فرخنده: مبارک، خجسته

فرط: بسیاری

گیوه: نوعی کفش با رویه ای دست باف

لطایف: جمع لطیفه، نکته های دقیق و ظریف، دقایق؛

سخنان نرم و دلپذیر

لفاف: پارچه و کاغذی که بر چیزی پیچند.

متعصب: غیرتمند

مساعدت: همیاری، یآوری

مسرت: شادی، خوشی

مسرور: شادمان، خشنود

مشیت: اراده، خواست

میناق: عهد و پیمان

نکبت بار: شوم و ایجادکننده بدبختی و خواری

نمَد: پارچه کلفت که از کوبیدن و مالیدن پشم یا کُرک

درس نهم: ذوق لطیف

روان خوانی: میثاق دوستی

اَعُوْز: اوّلین شیری که یک ماده به نوزادش می دهد

و سرشار از موادّ مقوّی است.

اَماس: وَرَم، توَرَم؛ اَماس کردن: گنجایش پیدا کردن،

متورّم شدن

استسقا: نام مرضی که بیمار، آب بسیار خواهد.

انعطاف: نرمش، آمادگی برای سازگاری با دیگران،

محیط و شرایط آن

بالبداهه: ارتجالاً، بدون اندیشه قلبی

بذله گو: شوخ، لطیفه پرداز

به نقد: درحال حاضر، در وضعیت موردنظر

به دست می‌آید و از آن به‌عنوان فرش استفاده می‌کنند
یا کلاه و بالاپوش می‌سازند؛ بالاپوش نمدی

مَشک: انبان، خیک، کیسه‌ای از پوست گوسفند

نیلی: به رنگ نیل، کبود

وادی: سرزمین

ولی: دارندهٔ بالاترین مقام در دین پس از پیغمبر (ص)،
دوست

همپا: همراه، هم‌قدم، هر یک از دو یا چند نفری که با
هم کاری انجام می‌دهند. همپایی: همگامی، همراهی

درس یازدهم: یاران عاشق

شعر خوانی: صبح بی تو

آدینه: روز جمعه، آخرین روز هفته

انکار: باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن

بیعت: پیمان، عهد، پیمان بستن برای فرمان برداری
و اطاعت از کسی

چنبر: حلقه و هر چیز حلقه مانند؛ چنبر نفس: چنبر زدن
مارِ نفس

رستن: رهاشدن، نجات یافتن

روحانی: منسوب به روح، معنوی، ملکوتی

سیمینه: منسوب به سیم، سیمین، اشیای ساخته شده
از سیم یا نقره

مدار: مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی
به دور چیز دیگر می‌چرخد؛ مسیر

مرهم: هر دارویی که روی زخم گذارند، التیام بخش

منکر: انکار کننده، ناباور

درس دوازدهم: کاوهٔ دادخواه

گنج حکمت: کاردانی

آوری: بی‌گمان، بی‌تردید، به‌طور قطع

اژدها پیکر: در شکل و هیئت اژدها، دارای نقش اژدها

اساطیر: جمع اسطوره؛ افسانه‌ها و داستان‌های

درس دهم: بانگ جرس

گنج حکمت: به یاد ۲۲ بهمن

بار: اجازه، رخصت؛ بار عام: پذیرایی عمومی، شرفیایی
همگانی؛ مقابل بار خاص (پذیرایی خصوصی)

باره: اسب

برگ: توشه و هر چیز مورد نیاز؛ مایحتاج و آذوقه

تابناک: درخشان، نورانی

جرس: زنگ

جولان: تاخت و تاز

چاووش: آن که پیشاپیش زائران حرکت می‌کند و با
صدای بلند و به آواز اشعار مذهبی می‌خواند.

خاره: سنگ خارا، سنگ

راهوار: آنچه با شتاب اما نرم و روان حرکت می‌کند؛
خوش حرکت و تندرو

رحیل: از جایی به جای دیگر رفتن، کوچ کردن، سفر
کردن

رَشحه: قطره، چکّه

رُفت: رُفتن، زودن

رکاب: حلقه‌ای فلزی که در دو طرف زین اسب
آویخته می‌شود و سوار پا در آن می‌گذارد.

سترگ: بزرگ، عظیم

عَلَم: پرچم

فرض: واجب گردانیدن، آنچه انجام آن بر عهدهٔ کسی
نهاده شده باشد، لازم، ضروری

کران: طرف، جهت، کنار

کلاف: نخ و ریسمان و جز آن که گرد کرده باشند،
ریسمان پیچیده گرد دوک

محوطه: پهنه، میدانگاه، صحن

خدایان و پهلوانان ملل قدیم

الحاح: اصرار، پافشاری کردن

بازارگاه: جای خرید و فروش، بازار؛ در متن درس، مقصود اهل بازار است.

پایمردان دیو: دستیاران حکومت، توجیه‌کنندگان حکومت بیداد

پایمردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت

پشت پای: روی پا، سینه پا

ترگ: کلاه خود

تفرج: گشت و گذار، تماشا، سیر و گردش

خجسته: فرخنده، مبارک

خوالیگر: آشپز

درفش: پرچم، بیرق

درفش کاویان: درفش ملی ایران در عهد ساسانی، (کاویان یا کاویانی: منسوب به کاوه)

دژم: خشمگین

زخم درای: ضربه پتک؛ درای، در اصل زنگ کاروان است.

سپردن: پای مال کردن و زیر پا گذاشتن

سپهبد: فرمانده و سردار سپاه

سبک: در اینجا به معنای فوراً و سریع کاربرد دارد.

سروش: فرشته پیام‌آور، فرشته

شمار گرفتن: حساب پس دادن

غو: فریاد، بانگ و خروش، غریو

فایق: دارای برتری، مسلط، چیره

فریاد خواندن: فریاد خواستن، طلب یاری کردن، دادخواهی کردن

گرز گاوسر: گریزی که سر آن شبیه سر گاو بوده است.

گیهان خدیو: خدای جهان (گیهان: گیهان، جهان، گیتی)

لاف: سخنان بی پایه و اساس، دعوی باطل، ادعا؛

لاف‌زدن: خودستایی کردن، ادعای باطل کردن

مجرد: صرف، تنها

محصِر: استشهادنامه، متنی که ضحاک برای تبرئه خویش به امضای بزرگان حکومت رسانده بود.

موبد: روحانی زردشتی، مجازاً دانشمند، دانا

نفیر: صدای بلند، فریاد

نوند: اسب تندرو

هنر: فضیلت، استعداد، شایستگی، لیاقت

یکایک: ناگهان

درس سیزدهم: درس آزاد (ادبیات بومی ۲)

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

درس چهاردهم: حمله حیدری

شعرخوانی: وطن

آوردگاه: میدان جنگ، نبردگاه

آبرش: اسبی که دارای پوست خال‌دار یا رنگ به رنگ (به‌ویژه سرخ و سفید) است. در اینجا مطلق اسب منظور است.

امتناع: سر باز زدن از انجام کاری یا قبول کردن

سخنی، خودداری کردن

برافراختن: برافراشتن، بلند کردن

پور: فرزند مذکر، پسر

تپیدن: بی‌قراری و اضطراب نمودن، لرزیدن از ترس

حبیب: دوستدار، یار، از القاب رسول اکرم ﷺ

حرب: آلت حرب و نزاع؛ مانند شمشیر، خنجر، نیزه و ...	تعاون: یکدیگر را یاری کردن، یاری رساندن
خُدو: آب دهان، بزاق	تکفل: عهده دار شدن
دستوری: رخصت، اجازه دادن	تگ: دویدن
رزمگه: مخفف رزمگاه، میدان جنگ	تیمار: مواظبت، مراقبت
ژنده: بزرگ، عظیم	ثقت: اطمینان، خاطر جمعی
ژیان: خشمناک، خشمگین	جال: دام و تور
سهم: ترس	خَبه: دانه
سهمگین: هراس انگیز، ترس آور	خایب: ناامید، بی بهره
ضرب: زدن، کوفتن	دَها: زیرکی، هوشمندی
غزا: پیکار، جنگ	راه تافتن: راه را کج کردن، تغییر مسیر دادن
غضنفر: شیر	رخصت: اجازه، اذن دادن
قبا: نوعی جامهٔ جلوباز که دو طرف جلو آن با دکمه بسته می‌شود.	ریاحین: جمع ریحان، گیاهان خوشبو
کیش: آیین، دین، مذهب	زُمرد: سنگ قیمتی به رنگ سبز
کیمیا: ماده‌ای فرضی که به گمان پیشینیان، فلزاتی مانند مس و قلع را به طلا و نقره تبدیل می‌کند.	زه آب: زهاب، آبی که از سنگی یا زمینی می‌جوشد؛ مجازاً اشک
منزه: پاک و بی عیب	ستیزه‌روی: گستاخ و پُرو
هژبر: شیر	سَر: رئیس
	سیادت: سروری، بزرگی
	شکاری: منسوب به شکار؛ صید، نخجیر
درس پانزدهم: کبوتر طوق دار	صافی: پاک، بی‌غش، خالص
گنج حکمت: مهمان ناخوانده	صواب: صلاح و درست
	طاعن: سرزنشگر، عیب جو
اختلاف: رفت و آمد	عقده: گره
استخلاص: رهایی جستن، رهایی دادن	قفا: پشت گردن؛ در اینجا به معنای دنبال و پی است.
اعتذار: عذرخواهی، پوزش خواهی	گرازان: درحال گرازیدن و به ناز و تکبر راه رفتن، خرامان
التفات: توجه	گشن: انبوه، پُرشاخ و برگ
امام: راهنما، پیشوا	مُتَصَيِّد: شکارگاه
اولی‌تر: شایسته‌تر، سزاوارتر	متواتر: پی‌درپی، پیاپی
اهمال: کوتاهی، سهل‌انگاری کردن	مجادله: جدال و ستیزه
بر اثر: به دنبال؛ اثر؛ ردِّپا	مطاوعت: فرمان‌بری
تخلص: رهایی	

مطلق: رهاشده، آزاد

مُطَوَّقَه: طوق‌دار

مظاهرت: یاری کردن، پشتیبانی

معونت: یاری، کمک

ماللت: آزرده‌گی، ماندگی، به ستوه آمدن

ملامت: سرزنش

ملول: سست و ناتوان، آزرده

مناصحت: اندرز دادن

منقطع: بریده، قطع شده

مواجب: جمع موجب، وظایف و اعمالی که انجام آن

بر شخص واجب است.

مواضع: جمع موضع، جای‌ها

موافق: همراه، هم‌فکر

موالات: با کسی دوستی و پیوستگی داشتن، دوستداری

مودت: دوستی، محبت، دوستی گرفتن

ناحیت: ناحیه، سرزمین

نزه: باصفا، خوش آب و هوا، خرم

همگنان: همگان، همه

ورطه: مهلکه، خطر و دشواری

وقیعت: بدگویی، سرزنش، عیب‌جویی

درس شانزدهم: **فضه عینکم**

روان خوانی: دیدار

چُر تکه: واژه روسی؛ وسیله‌ای برای محاسبه جمع

و تفریق شامل چند رشته سیم که در چهارچوبی

قرار دارد. در دو رشته چهار مهره و در بقیه ده مهره

متحرک که نماینده یک تا ده است، جای دارد.

چله: زه کمان که انتهای تیر در آن قرار دارد و با

کشیدن و رها کردن آن، تیر پرتاب می‌شود.

رفعت: اوج، بلندی، والایی

سو: دید، توان بینایی

شمازت: سرکوفت، سرزنش، ملامت

شوربا: آش ساده که با برنج و سبزی می‌پزند.

صورتک: چهره‌ای مصنوعی که چهره اصلی را

می‌پوشاند و در آن سوراخ‌هایی برای چشم و دهان

تعبیه شده است؛ نقاب (فرهنگستان زبان و ادب فارسی،

در حوزه هنرهای تجسمی، صورتک را در برابر «ماسک»

به تصویب رسانده است)

عیار: خالص، سنجه، مقابل غش و ناپاکی؛

تمام عیار: کامل و بی نقصان، پاک، خالص

فرام: فریم (frame)، قاب عینک

فرنگی مآب: کسی که به آداب اروپاییان رفتار می‌کند،

متجدد

فرنگی مآبی: به شیوه فرنگی‌ها و اروپایی‌ها، (مآب به

معنای بازگشت یا جای بازگشت است، اما در اینجا

معنای شباهت را می‌رساند.)

قذاره: جنگ افزاری شبیه شمشیر پهن و کوتاه؛

قذاره‌کش: کسی که با توسل به زور، به مقاصد خود

می‌رسد.

قلا: کمین؛ قلا کردن: کمین کردن، در پی فرصت

بودن

قوال: در اینجا مقصود بازیگر نمایش‌های دوره گردی

است.

کذا: آن چنانی، چنان

ابلاغ: رساندن نامه یا پیام به کسی

ارک: قلعه، دژ

بز و بز: با دقت، خیره خیره

بور: سرخ؛ بورشدن: شرم‌منده شدن، خجلت‌زده شدن

تأثر: اثرپذیری، اندوه

تعلیمی: عسای سبکی که به دست گیرند.

تلمذ: شاگردی کردن، آموختن

درس هجدهم: خون عدل

روان خوانی: آذرباد

کلون: قفل چوبی که پشت در نصب می کنند و در را با آن می بندند.

کمیسیون: واژه فرانسوی؛ هیئتی که وظیفه بررسی و مطالعه درباره موضوعی را برعهده دارد؛ جلسه (مجازاً)؛ کمیسیون کردن: تشکیل جلسه دادن

متجددانه: نوگرایانه، روشنفکرانه

محقّر: کوچک، حقیر

مخاطره: خطر، خود را در خطر انداختن

مسامحه: آسان گرفتن، ساده انگاری

مسحور: مفتون، شیفته، مجذوب

مشروعیت: منطبق بودن رویه های قانون گذاری و اجرائی حکومت با نظر مردم آن کشور

مضحک: خنده آور، مسخره آمیز

مغتنم: با ارزش، غنیمت شمرده

مهملی: بی کارگی و تنبلی

موقّر: با وقار، متین

مهیب: سهمگین، ترس آور

نخ قند: نوعی نخ که از الیاف کَنف ساخته می شود.

هفت صندوقی: دسته هفت صندوقی، گروه های

نمایشی دوره گردی بوده اند که با اجرای نمایش های روحوضی، اسباب سرگرمی و خنده مردم را فراهم

می کردند. این گروه ها وسایل و ابزار خود را در صندوق هایی می نهاده اند. پرجاذبه ترین و کامل ترین

گروه آنهايي بودند که هفت صندوق داشته اند. به هریک از بازیگران گروه «قوال» یا «قوالک»

می گفته اند.

یغور: درشت و بدقواره

www.my-dars.ir

درس هفدهم: خاموشی دریا

گنج حکمت: تجسم عشق

برزگر: برزگر، دهقان، کشاورز

چراغدان: جایی یا ظرفی که در آن چراغ بگذارند.

بز: خشکی، بیابان
خون: سفره یا طبّقی که در آن، غذا می گذاشتند.

رستن: نجات یافتن، رها شدن

ریشخند: تمسخر

شعف: خوشی، شادمانی

مبدل: دگرگون، تغییر داده شده

مطلق: بی شرط و قید

معتبر: محترم، ارزشمند

مفرح: شادی بخش، نشاط آور

مقید: گرفتار، بسته، در قید شده

ممد: مددکننده، یاری دهنده

هلهله: سروصدای همراه با شادی و شور و شوق، خروش

نیایش: الهی

چالاک: چابک، تند و فرز

حشر: رستاخیز، قیامت

عصیان: نافرمانی، گناه و معصیت

هول: ترس، هراس



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

کتابنامه

- ابراهیمی، نادر (۱۳۷۷)، سه دیدار، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی: چاپ اول.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۵)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۰)، روزها، تهران، انتشارات یزدان: چاپ اول.
- اعتصامی، پروین (۱۳۷۴)، دیوان پروین اعتصامی، مقدمه و تنظیم شهرام رجب‌زاده، تهران: قدیانی: چاپ اول.
- اکبری، منوچهر (۱۳۷۱)، نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۹۰)، مناجات‌نامه، تصحیح شهاب‌الدین خرمشاهی، تهران، انتشارات دوستان: چاپ اول.
- انوری، حسن (۱۳۹۳)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن: چاپ هشتم.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۹۱)، توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۳۵)، دیوان ملک‌الشعرای بهار، به کوشش محمد ملک‌زاده، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۸۷) کلیات میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی، بر اساس نسخه خال محمد خجسته و خلیل‌الله خلیلی، به کوشش فرید مرادی، تهران، انتشارات زوآر: چاپ اول.
- بیدل دهلوی، عبدالقادر (۱۳۶۶)، دیوان اشعار، تصحیح حسین آهی، تهران: انتشارات فروغی.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۵۰)، تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر علی اکبر فیاض، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ترکی، محمدرضا (۱۳۹۵)، ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- پرویزی، رسول (۱۳۵۷)، شلوارهای وصله‌دار، تهران: انتشارات جاویدان.
- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۶۹)، دیوان حافظ، به اهتمام محمد قزوینی قاسم غنی، تهران، انتشارات زوآر: چاپ اول.
- حمیدی شیرازی، مهدی (۱۳۸۲)، فنون شعر و کالبدهای پولادین آن، تهران: نشر عطایی، چاپ اول.
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۶۹)، دیوان اشعار خاقانی، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، تهران: انتشارات زوآر.
- خانلری، پرویز (۱۳۹۱)، تاریخ زبان فارسی، تهران، فرهنگ نشر نو: چاپ نهم.
- خلیل جبران (۱۳۸۹)، پیامبر و دیوانه، تهران: نشر کارنامه.
- خواجوی کرمانی، محمود بن علی (۱۳۹۴)، دیوان خواجوی کرمانی، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، ویراست نو: فرید مرادی، تهران، انتشارات نگاه: چاپ اول.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران: چاپ دوم

از دوره جدید.

- رابیندرانات تاگور (۱۳۹۱)، ماه نو و مرغان آواره، ترجمه ع. پاشایی، تهران، نشر ثالث: چاپ دوم.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲)، انواع ادبی در شعر فارسی، انتشارات نوید شیراز.
- ریچارد باخ، (۱۳۸۸)، پرندۀ ای به نام آذرباد، ترجمه سودابه پرتوی، تهران، انتشارات امیرکبیر: چاپ هشتم.
- سبزواری، حمید (۱۳۷۳)، سرود سپیده، تهران: انتشارات کیهان.
- سپهری، سهراب (۱۳۷۰)، هشت کتاب، تهران، کتابخانه طهوری، چاپ دهم.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۲)، کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران، انتشارات امیرکبیر: چاپ سوم.
- سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۶۸) بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی: چاپ سوم.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد آدم (۱۳۳۶)، دیوان اشعار، به اهتمام مدرس رضوی، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۹۳)، از نتایج سحر (شعر انقلاب: تعریف، چیستی، ویژگی‌ها و ابعاد)، تهران، انتشارات سوره مهر: چاپ اول.
- شریعتی، علی (۱۳۴۹)، کویر، تهران: شرکت انتشارات.
- شفیی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶)، آینه‌ای برای صداها، تهران، سخن: چاپ اول.
- شفیی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۸) موسیقی شعر، تهران، انتشارات آگاه: چاپ دوم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، انواع ادبی، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صائب تبریزی (۱۳۶۴)، دیوان غزلیات صائب، به کوشش محمد قهرمان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۹۵)، تذکرة الاولیاء، به اهتمام محمد استعلامی، تهران: انتشارات زوار: چاپ بیست و ششم.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۸)، شاهنامه (دفتر یکم)، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران: انتشارات روزبهان.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۱)، شرح مثنوی شریف، تهران: کتابفروشی زوار، چاپ اول.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۰)، دیوان غزلیات فیض، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه: چاپ اول.

- قبادیانی، ناصر خسرو (۱۳۸۶)، دیوان اشعار ناصر خسرو قبادیانی، تصحیح دکتر مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاظمی، محمد کاظم (۱۳۹۰)، ده شاعر انقلاب، تهران: انتشارات سوره.
- کامور بخشایش، جواد (۱۳۹۴)، زندان موصل، خاطرات اسیر آزاد شده ایرانی: علی اصغر رباط جزئی، تهران، انتشارات سوره مهر: چاپ اول.
- گوته، یوهان ولفگانگ فن (۱۳۹۴)، دیوان غربی- شرقی، ترجمه کورش صفوی، تهران، انتشارات هرمس: چاپ چهارم.
- متینی، جلال (۱۳۵۷)، نمونه‌هایی از نثر فصیح فارسی معاصر، تهران: کتابفروشی زوآر.
- مجد خوفی (۱۳۴۵) روضه خلد، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: کتابفروشی زوآر.
- امین پور، قیصر (۱۳۹۶)، مجموعه کامل اشعار، تهران، نشر مروارید، چاپ سیزدهم.
- محدثی خراسانی، مصطفی (۱۳۸۷)، مجموعه اشعار: بودن در نبودن، تهران: انتشارات سوره مهر.
- معیری، محمد حسن (۱۳۸۸)، دیوان کامل رهی معیری، به اهتمام کیومرث کیوان، تهران، انتشارات مجید: چاپ هشتم.
- معین، محمد (۱۳۶۴)، فرهنگ فارسی معین (شش جلد)، تهران، انتشارات امیرکبیر: چاپ هفتم.
- منزوی، حسین (۱۳۹۵)، مجموعه اشعار، به کوشش محمد فتحی، تهران، نشر نگاه: چاپ چهارم.
- منوچهری دامغانی، احمد بن قوص (۱۳۶۳)، دیوان اشعار، تصحیح سید محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات زوآر: چاپ اول.
- مولوی، جلال الدین محمد بلخی (۱۳۷۵)، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، در سه جلد: نشر مولی.
- میرصادقی، جمال (۱۳۶۵)، ادبیات داستانی، تهران، مؤسسه فرهنگی ماهور: چاپ دوم.
- میهنی، محمد بن منور (۱۳۷۱)، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات آگاه: چاپ سوم.
- نجم الدین رازی، عبدالله بن محمد (۱۳۹۲)، مرصاد العباد، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران: نشر علمی - فرهنگی.
- نصرالله منشی (۱۳۸۸)، ترجمه کلیده و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات امیرکبیر: چاپ سی و سوم.

- نظام وفا (۱۳۸۲)، مجموعه آثار استاد نظام وفا، تصحیح عبدالله مسعودی، کاشان: انتشارات خاطرات قلم.
- نظامی گنجوی، خمسه نظامی، تصحیح وحید دستگردی، تهران: انتشارات علمی.
- نظامی گنجوی (۱۳۸۷)، لیلی و مجنون، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- واعظی، مجید (۱۳۹۴)، عباس میرزا آغازگری تنها، تهران، انتشارات مدرسه: چاپ اول.
- وحشی بافقی، کمال الدین (۱۳۸۸)، کلیات دیوان وحشی بافقی، ویراسته محمد حسین مجدم و کوروش نسبی
تهرانی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر: چاپ اول.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۰)، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات سخن: چاپ اول.
- وفایی، عباسعلی (۱۳۹۲)، دستور توصیفی، براساس واحدهای زبان فارسی، تهران، انتشارات سخن: چاپ اول.
- هراتی، سلمان (۱۳۸۶)، مجموعه اشعار سلمان هراتی، تهران: نشر انجمن شاعران ایران.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir